تهافت متنی، معیاری در تصحیح سقط در روایات

(50:19)

شاگرد: آقایان در مورد شیخ صدوق نکته‌ای را می‌گویند. چون نسخه‌های جاهای دیگر خیلی مشکل دارد، اما نسخه‌هایی که شیخ صدوق آورده خیلی صاف است. لذا برخی ایشان را متهم می‌کنند که طبق فهم خودشان تصحیح می‌کردند. در ذهنم سؤال پیش آمد که در کتب درسی این کار را انجام می‌دهیم ولی باب اینکه اختلاف نسخه ای نیست را در روایات وارد کنیم خوب هست یا نه؟

استاد: به اینها تصحیحات قیاسی می‌گویند. درجایی‌که شما از حیث مطلب احتمال می‌دهیم که افتاده باشد؛ این غیر از جایی است که خودتان همین جور می‌گویید در روایت این افتاده است. فتح باب این بسیار بد است. اما یک وقتی است که وقتی شما نگاه می‌کنید می‌بینید عبارت متهافت است. اگر این تهافت را با یک سقط تصحیحی –تصحیفی که اسقاطی بوده- درست کنید، این مرسوم است و همه جا بوده است.

شاگرد: انصافا در مقابلش باید همه احتمالات خیلی مستهجن باشند تا به این دست بزنیم.

استاد: مثلاً اگر این روایت در فقیه آمده بود و «لم یکن» نبود، در کافی هم آمد بود و «لم یکن» نبود، می‌گفتیم این چه احتمالی بی خودی است؟! اما این روایت تنها در تهذیب آمده است. در بین نسخ تهذیب هم این اختلاف باشد! بین نسخه‌های خود تهذیب در این روایت اختلاف هست.

شاگرد۲: «لم یکن» در برخی از آنها هست؟

استاد: نه، «لم یکن» در هیچکدام از آنها نیست. ولی در یکی «ارخته» است و در دیگری «ارخه» است. «کتب الیّ» و «کتبتُ الیّ» هست. وقتی در خود نسخه‌های تهذیب اختلاف هست، اینجا نمی‌گویند شما فتح باب این احتمالات را کردید. آن هم محتوایی که در تصورش و تهافت «فاعتقدت» ماندهایم. اگر با این قیود باشد، فتح باب نیستند.

شاگرد: اینکه جواز نقل به معنا داده‌اند، از همین جنس است.

استاد: نه، احتمال سقط. اگر نسخه خطی تهذیب برای زمان خود شیخ الطائفه پیدا بشود، اگر این در آن جا بود، شاهد قوی می‌شود که اینها فتح باب نبوده است. اما نسبت به آن چه که در مورد شیخ صدوق فرمودید خواستم شوخی کنم. خب شیخ صدوق می‌گوید «من انا؟!». می‌گویند «انت شیخ الصدوق!». می‌گویید «فقد نلتَ الجواب»!

شاگرد۲: قبلاً تفصیلی داشتید بین زمانی‌که شهر شرعی می‌آید و ثبوت شهری که شریعت با آن کاری ندارد، حضرت نمی‌خواهند به آن اشاره داشته باشند؟! یعنی آن روزه برای یوم الخمیس است، ولی آن ثبوت تقویمی که هست، چهارشنبه اولش است.

استاد: اینکه عبارت امام نیست. عبارت راوی است. اگر عبارت امام بود، بله. ولی این عبارت را راوی می‌گوید.

شاگرد: همین عبارت باعث می‌شود که نیازی به «لکن» نداشته باشیم. یعنی راوی بین این دو تنافی نمی‌بیند. من معتقد شدم که روزه اول باید پنج شنبه باشد و ماه هم چهارشنبه شروع شده است.

استاد: این ضروری فقه اسلامی از اول تا آخر است. آیا او خلاف ضروری می‌گوید؟! که من خیلی راحت استصحاب کردم و نگرفتم ولی اول ماه هم بود؟!

شاگرد۲: علامه هم این احتمال را مطرح کرده‌اند که «کان عندنا» یعنی «کان عند اهل بلدنا». یعنی اعتقاد دارم که آنها دارند این کار را می‌کنند. یقین پیدا کردم که مبنای آنها این است.

استاد: قبلش صریحاً می‌گوید که آنها نگرفتند.

شاگرد۲: بعد از اینکه ماه خیلی طولانی شد، اعتقاد پیدا کردم که مبنای آنها این است و به این صورت عمل می‌کنند. درصورتی‌که مبنای خود ما این است که همین روز پنج شنبه درست است.

استاد: می‌گوید «عندنا».

شاگرد۲: یعنی «عند اهل بلدنا». علامه این را در مذاق مطرح کرده‌اند.

استاد: «انّ الشهر کان عندنا» یعنی اعتقاد اهل بغداد این است. آن وقت «فاعتقدتُ»؟! اگر می‌دانست که آنها این اعتقاد را دارند، «فاعتقدتُ» غلط می‌شود. اعتقاد پیدا کردم که اهل بغداد چنین اعتقادی دارند!

شاگرد: براساس مبنای رؤیت است. یعنی اعتقاد پیدا کردم که صوم یوم الخمیس است. یعنی همین مبنای رؤیت درست است ولی براساس تطوق، شهر اهل بغداد....

استاد: خلاصه اهل بغداد این کار را می‌کردند ای نه؟ خبر داشت اهل بغداد قرار است چهارشنبه را با تطوق قرار بدهند ای نه؟ والّا آنها این کار را نمی‌کنند. اهلسنت چنین کاری نمی‌کنند. تطوق را می‌زنند نمی‌دانند تا قضا کنند. بر فرض بگوییم این کار را می‌کنند، دیگر نمی‌گوید من اعتقاد پیدا کردم اهل بلد من این کار را می‌کنند. باید می‌گفت «اعتقدوا» یا بگوید این جور هست. نه اینکه من اعتقاد پیدا کردم. بعداً امام هم بگوید «زادک الله توفیقا». بنابراین صاحب این است: در هر کجا در بحث فقهی بگوید «لایخلو هذه الروایة من اضطراب فی متنه»، «لایخلو من تهافت»، وقتی در کلاس فقه بگوید «لایخلو من تهافت»، آن جا احتمالات سقط فعال می‌شود. لذا این فتح باب نیست. این غیر از آن است که بگویی مرحوم صدوق چنین کردند. این در جایی است که مشکل فقه الحدیثی داریم و متن صاف نمی‌شود؛ لذا اگر محتملات سقط بیاید و متن صاف بشود مشکلی نیست.

شاگرد: احتمالات دیگر را باید خیلی به حد ضعف برسانیم.

استاد: بله.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 15:24:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 15:27:37 توسط ... .